

ایمان، امری عقلانی است

همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری دانشگاه قم «هم‌اندیشی معرفت‌شناسی دینی» با موضوع گفت‌وگوی فیلسوفان مسلمان و مسیحی 31 فروردین‌ماه در تهران و یک و 2 اردیبهشت در قم برگزار شد...



همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری دانشگاه قم «هم‌اندیشی معرفت‌شناسی دینی» با موضوع گفت‌وگوی فیلسوفان مسلمان و مسیحی 31 فروردین‌ماه در تهران و یک و 2 اردیبهشت در قم برگزار شد. در این هم‌اندیشی دانشمندان داخلی و خارجی با موضوع گفت‌وگوی فیلسوفان مسلمان و مسیحی به تبادل نظر پرداختند. این هم‌اندیشی در عصر نخستین روز با 2 نشست پیگیری شد. در نشست اول که به مدیریت قاسم پورحسن، استادیار دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد، حسین غفاری با موضوع «171# فلسفه دین در نظام فلسفی ابن‌سینا»؛ و دانیل هوارد اسنایدر، با موضوع «171# تصویر خداوند در قرآن»؛ به سخنرانی و ارائه مقاله پرداختند. کوتاه‌شده‌ای از نشست عصر روز اول این هم‌اندیشی اکنون از نظرتان می‌گذرد.

حسین غفاری، دانشیار و مدیرگروه فلسفه دانشگاه تهران، در ارائه مقاله خود با عنوان «171# فلسفه دین در نظام فلسفی ابن‌سینا»؛ گفت: معمولا چنین انگاشته می‌شود که آنچه امروز تحت‌عنوان فلسفه حقوق، فلسفه دین، فلسفه اخلاق و... نامیده می‌شود، مربوط به دوره متأخر فلسفه غربی است و در فلسفه‌های کلاسیک مثل فلسفه اسلامی جایگاهی ندارد. البته این مسئله به‌صورت صوری همین‌طور هم هست و ما در فلسفه کلاسیک اسلامی چیزی به‌نام فلسفه دین نداریم ولی البته نه اینکه مباحث مربوط به این عنوان در فلسفه وجود نداشته است. در این مقاله سعی کردم نشان دهم که در سنت فلسفه اسلامی، مجموعه نسبتا کامل و منسجمی از مباحث فلسفه دین وجود دارد که به‌طور یکجا در نظام فلسفی سینوی بیان شده است و به‌طور مشخص آن را می‌توان در نمط دهم الهیات شفا دید.

وی با انتقاد از اینکه کمتر به نمط دهم الهیات شفا توجه می‌شود، اظهار کرد: نمط دهم شفا، آخرین مقاله از کتاب الهیات و مشتمل بر 5 فصل است که تقریبا در بردارنده مهم‌ترین عناوینی است که به‌طور پیشینی باید در موضوع فلسفه دین مطرح شود. اینکه قید به‌طور پیشینی را آوردم برای این است که در کتاب‌های فلسفه دین معاصر معمولا تعریف و ضابطه دقیقی برای فلسفه دین ارائه نمی‌شود و یک نویسنده می‌تواند به سلیقه خود مجموعه مباحثی را که به‌نحوی به دین و خصوصا وجود خداوند مربوط باشد در کتاب خود بیاورد، ولی در یک فلسفه عقلی وابسته به سنت کلاسیک مانند فلسفه ابن‌سینا که موضوع فلسفه موجود بما هو موجود است و مسائل فلسفه را عوارض ذاتی این موضوع معرفی می‌کند، نخستین پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که هر مسئله فلسفی جدید باید حتما از عوارض ذاتی موجود مطلق یا موجود چنان موجود باشد؛ به این ترتیب باید برای فلسفه دین و هر فلسفه مضاف دیگری جایگاهی منطقی در نظام وجود مطلق پیدا کرد.

این محقق و نویسنده با اشاره به اینکه در این مقاله به بحث عدالت به‌عنوان معیار نیازمندی به دین هم پرداخته شده است، گفت: در این مقاله به این موضوع و همچنین به سایر مباحثی که در فلسفه دین ابن‌سینا آمده است از جمله بحث عدالت به‌عنوان معیار نیازمندی به دین پرداخته و ارزیابی انتقادی خواهد شد. مهم‌ترین خصوصیت فلسفه دین ابن‌سینا عقلانیت دین و هماهنگی کامل آن با اصول پیشینی عقل نظری در عین برخورداری از روح نظریه انسان کامل عرفانی است که مجموعا نشانگر خصوصیت یک فلسفه دین شیعی است.

استعاره در فرهنگ غربی

سخنران بعدی این نشست، هوارد اسنایدر از دانشگاه وسترن واشنگتن بود. وی ابتدای سخنانش در ارائه مقاله خود با عنوان «171# همه استعاره‌گرایی»؛ در تشریح معنای این عنوان اظهار کرد: «171# همه استعاره‌گرایی»؛ نگرشی است که معتقد است بحث پیرامون خداوند صرفا می‌تواند به‌صورت استعاره‌ای وجود داشته باشد. امروزه همه استعاره‌گرایی در فرهنگ غربی نوعی طغیان محسوب می‌شود. همه استعاره‌گرایی حداقل با دو مشکل مواجه است: اول اینکه مستلزم این است که خدا واقعا شخصی نیست که اعتقاد به این امر عین الحاد است و دوم اینکه همه استعاره‌گرایی مستلزم تناقض است.

وی با بیان اینکه برای هر کدام از مشکل‌ها، برهانی اقامه می‌کند، افزود: برای مشکل اول که همه استعاره‌گرایی به آن مبتلا است که براساس آن همان‌طور که گفتیم باید براساس

همه استعاره‌گرایی معتقد باشیم که خدا واقعا شخصی نیست، باید بگوییم که اگر بحث ما پیرامون خدا صرفا می‌تواند استعاری باشد، در آن صورت نمی‌توان از هیچ تبیین زبان‌شناسانه‌ای برای خدا استفاده کرد.

اگر نتوان از هیچ تبیین زبان‌شناسانه‌ای برای خدا استفاده کرد، در آن صورت خداوند هیچ‌یک از صفات اتصاف با زبان تحت‌اللفظی را به‌ویژه این صفت که خدا واقعا وجودی شخصی است، دارا نخواهد بود، اما هیچ‌چیز نمی‌تواند در همان حال که فاقد صفت واقعی

وجودی شخصی است، واقعا شخصی هم باشد. بنابراین همه استعاره‌گرایی مستلزم آن است که خداوند واقعا شخصی نیست. این استاد دانشگاه در ارائه برهان برای مشکل دوم همه استعاره‌گرایی تصریح کرد: همان طور که گفتم مشکل دوم همه استعاره‌گرایی این است که اعتقاد به آن مستلزم تناقض است. در ارائه برهانی برای این مشکل باید بگویم که این بحث می‌تواند چنین صورت‌بندی و نتیجه‌گیری شود که همه استعاره‌گرایی مستلزم آن است که خداوند واقعا غیرشخصی نیست اما تنها اگر خدا واقعا شخصی باشد خداوند واقعا غیرشخصی نیست. بنابراین همه استعاره‌گرایی مستلزم آن است که خداوند واقعا شخصی است. در نتیجه همه استعاره‌گرایی مستلزم آن است که خداوند واقعا شخصی نیست و در عین حال خداوند واقعا شخصی است و این تناقض است. برهان اقامه شده برای حل مشکل اول همه استعاره‌گرایی مهم‌تر است. در این مقاله چندین اعتراض به این برهان را ارزیابی خواهم کرد. به علاوه بنده به این بحث می‌پردازم که آیا می‌توان این بحث را به این دیدگاه که بحث پیرامون خداوند صرفا می‌تواند تمثیلی باشد که گاهی به افرادی همانند توماس آکوئیناس نسبت داده می‌شود، بسط داد.

ناسازگاری معرفت‌شناسی دکارتی با ادیان توحیدی

آخرین نشست روز اول با مدیریت عباس یزدانی و سخنرانی ژوستین برنارد، از دانشگاه یونیون، قاسم پورحسن، استادیار دانشگاه علامه طباطبائی و استفان دیویس از دانشگاه کلارمونت مک‌کنا برگزار شد. برنارد در ارائه مقاله خود با عنوان «#171 معرفت‌شناسی دکارتی و باور دین»؛ طی سخنان کوتاهی گفت: در این مقاله میراث معرفت‌شناسی نوگرای دکارت را مورد بحث و بررسی قرار دادم. استدلال بنده بر این پایه مبتنی است که روش معرفت‌شناسی دکارت به‌صورت ویژه فرضیه‌ای جدید از فردگرایی افراطی را به تفکر غربی القا می‌کند که در واقع در آن «#171 خود»؛ به‌عنوان حکم غایی برای معیارهای معرفت‌شناختی به شمار آمده است.

ایمان؛ امری استدلالی یا ذهنی

دکتر قاسم پورحسن، استادیار دانشگاه علامه طباطبائی دیگر سخنران این نشست بود. وی با ارائه مقاله خود با عنوان «#171 ایمان عقلانی»؛ هدف این مقاله را بررسی این موضوع که ایمان امری استدلالی یا ذهنی است دانست و تأکید کرد: هدف این مقاله بررسی این موضوع است که آیا ایمان امری استدلالی است یا صرفا ذهنی؟ آیا مؤمنان دلیلی برای اعتقادات خود ارائه می‌کنند؟ برخی از مثال‌ها مانند کی‌یر کگارد، ویتگنشتاین، پلانتینگا تأکید می‌کنند که ایمان به اندازه کافی مبتنی بر عقل و مبانی استدلال نیست. وی در ادامه سخنانش به بررسی دیدگاه‌های کی‌یر کگارد، ویتگنشتاین، پلانتینگا و علامه طباطبائی درباره ایمان پرداخت و اظهار کرد: کی‌یر کگارد ابتدا از طریق تخمین و تعویق، ایمان آفاقی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و سپس ایمان را با شور توصیف می‌کند. او بر این باور است که ایمان مسئله‌ای درونی و انفسی است. ویتگنشتاین ایمان را با صورت زندگی و شیوه زندگی مطرح می‌کرد، در حالی‌که پلانتینگا تأکید دارد که ایمان و باور به خدا امری مبنايي و تا حدی عقلانی است به‌عنوان امری تجربی و نه معرفتی. پورحسن در پایان سخنانش با اشاره به اینکه علامه طباطبائی ایمان و اعتقاد دینی را امری معرفتی می‌داند، اظهار کرد: علامه طباطبائی ایمان و اعتقاد دینی را امری معرفتی می‌داند. از نظر علامه، عقل در ساختار اعتقاد دینی موازی نقل است. بنابراین ایمان باید مبتنی بر عقل باشد. در این مقاله به‌طور تطبیقی 2 رهیافت را مورد توجه و بررسی قرار دادم؛ ایمان به منزله شور یا شیوه زندگی و ایمان به مثابه امری عقلانی و استدلالی.

باور دینی کاملا عقلانی است

نشست روز اول با سخنرانی استفان دیویس، استاد دانشگاه کلارمونت مک‌کنا پایان یافت. وی با ارائه مقاله خود با عنوان «#171 ایمان، بدهت و بدهت‌گرایی»؛ گفت: بنده با معرفتی و بررسی اعتراض بدهت‌گرا به ایمان توسط کلیفورد و برتراند راسل مقاله خود را آغاز می‌کنم و در نهایت راجع به آن اقتضایی که مردم باورهای خود را بر بدهت مبتنی می‌کنند، بحث خواهم کرد، سپس اثبات می‌کنم که بدهت مورد نظر درباره اثبات وجود خداوند مبهم هستند و سپس معانی گوناگون احتمالی کلمه بدهت را بررسی کرده و تمایز بین آنچه من بدهت عمومی و بدهت خصوصی نامیده‌ام را مطرح خواهم کرد. وی در ادامه سخنانش افزود: در این مقاله سپس به این نکته اشاره خواهم کرد که باور به خدا طبیعتا مبتنی بر بدهت خصوصی است و اثبات می‌کنم که با در نظر داشتن رضایت‌مندی از معیارهای خاص، ابتدائی باور بر بدهت خصوصی مجاز خواهد بود. همچنین اثبات خواهم کرد که همه اشخاص و نه صرفا افراد مؤمن دیندار باور خود را بر بدهت خصوصی مبتنی می‌کنند.

همشهری آنلاین- سیدحسین امامیه